

اکتشاف و طراحی نظام اقتصادی اسلام

(با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری در نظام‌سازی اسلامی)

سیدعباس موسویان*
حسین غفورزاده**

تاریخ تألیف: ۱۴۰۲/۷/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۳۱

چکیده

نگاه دقیق به آموزه‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف نشان می‌دهد این آموزه‌ها در عین تنوع، از انسجام خاصی برخوردار بوده و به صورت هماهنگ به دنبال تحقق اهداف والایی به عنوان «سعادت دنیوی و کمال اخروی انسان‌ها» هستند. از این آموزه‌ها به عنوان «نظام اسلامی» یاد می‌شود که حاوی زیرنظام‌های «سیاسی»، «اجتماعی»، «اقتصادی» و... است. این مقاله در صدد است با استفاده از روش تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری و با مبنای قرار دادن دیدگاه ایشان در تعریف نظام اسلامی، عناصر نظام اقتصادی اسلام را به عنوان یکی از زیرنظام‌های اسلامی تبیین نماید. اگر نظام اقتصادی اسلام را مجموعه‌ای از «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «اهداف»، «احکام اقتصادی»، «اخلاق اقتصادی»، «دولت و بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «سازمان‌ها»، «ابزارها» و «الگوهای رفتاری» بدانیم که به صورت هماهنگ می‌خواهند فعالیت‌های اقتصادی را در سطح فردی، اجتماعی و بین‌المللی ساماندهی نمایند و انسان‌ها را از بعد اقتصادی به رفاه دنیوی و کمال اخروی برسانند، برخی از این عناصر ثابت و قابل اکتشاف از منابع دینی است و برخی متغیر و قابل استفاده از یافته‌های دانش و تجربه بشری است و با پیشرفت جوامع متحول می‌شوند. مطابق آموزه‌های دینی، عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام، تأسیسی است؛ به این بیان که خود شریعت اسلام متصدی بیان این موارد است و ما وظیفه داریم آنها را با روش اجتهاد مصطلح از منابع استنباط (قرآن، سنت، اجماع و عقل) کشف کنیم؛ اما عناصر متغیر که غالباً امضایی است، به عناصر ثابت، تحول، تحریک، پویایی و شادابی می‌بخشد و به مسئولان امر و کارشناسان فرصت می‌دهد پیوسته با استفاده از علم و تجربه بشری و البته با روش‌شناسی اقتصاد اسلامی به فکر طراحی الگوها، مدل‌ها، سازمان‌ها و ساختارهای جدید و منطبق با عصر و زمان خود باشند.

واژگان کلیدی: نظام، نظام اقتصادی، نظام اقتصادی اسلام، عناصر ثابت و متغیر، اجتهاد، امضا.

* استاد تمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / نویسنده مسئول (samosavian@yahoo.com).

** دانش آموخته دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی، (hghafoorzadeh@yahoo.com).

مقدمه

بررسی آموزه‌های اسلامی به عنوان دین جامع و کامل و آخرین دین آسمانی در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی نشان می‌دهد این آموزه‌ها در عین تنوع از انسجام داخلی برخوردار بوده و به صورت هماهنگ به دنبال تحقق هدف غایی «سعادت و کمال دنیوی و اخروی انسان‌ها» هستند که از این تعالیم منسجم و هماهنگ به عنوان «نظام اسلامی» یاد می‌شود که حاوی زیرنظام‌های «معرفتی»، «بینشی»، «حقوقی»، «قضایی»، «اخلاقی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «فرهنگی»، «اقتصادی» و... است. این مقاله در صدد است با مبنای قرارداد دیدگاه مقام معظم رهبری در تعریف نظام اسلامی، نظام اقتصادی اسلام را به عنوان یکی از زیرنظام‌های اسلامی تعریف کند و روش اکتشاف و طراحی عناصر ثابت و متغیر آن را تبیین نماید.

هر نظامی یک وجه نظری و ثابت دارد که جهان‌شمول و زمان‌شمول است و از آیات و روایات قابل استنباط است و یک وجه عینی و زمانی و مکانی دارد که باید بر اساس شرایط زمان و مکان طراحی شود. این مطلب هم بر اساس نظریه ثابتات و متغیرات در اسلام است (ر.ک: میرمعزی، ۱۳۸۱). بر این اساس نظام اقتصادی اسلام را نیز می‌توان مجموعه‌ای متشکل از «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «اهداف»، «احکام اقتصادی»، «اخلاق اقتصادی»، «دولت و بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادها»، «سازمان‌ها و نهادها»، «ابزارها» و «الگوهای رفتاری» دانست که به صورت منسجم و هماهنگ می‌خواهند فعالیت‌های اقتصادی را در سطح فردی، اجتماعی و بین‌المللی ساماندهی کرده، انسان‌ها را از بعد اقتصادی به رفاه دنیوی و کمال اخروی برسانند. برخی از این عناصر ثابت و قابل اکتشاف مستقیم از منابع دینی است و برخی متغیر و قابل استفاده از یافته‌های دانش و تجربه بشری است و با پیشرفت جوامع متحول می‌شوند.

مطابق آموزه‌های دینی، «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «اهداف»، «احکام اقتصادی» و «اخلاق اقتصادی»، به عنوان عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام از متون شریعت و به روش اجتهادی کشف می‌شوند و دیدگاه اسلام در این موارد تأسیسی است؛ به این بیان که خود شریعت اسلام متصدی بیان این موارد است و ما وظیفه داریم آنها را با روش علوم دینی و اجتهاد مصطلح از منابع استنباط (قرآن، سنت، اجماع و عقل) کشف کنیم؛ البته در استنباط این موارد هرچه مباحث موضوع‌شناسی شفاف‌تر و روشن‌تر باشد، در استنباط عناصر پنج‌گانه موفق‌تر خواهیم بود.

عناصر بعدی یعنی «دولت، بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادها»، «سازمان‌ها و نهادها»، «ابزارها» و «الگوهای رفتاری» به عنوان عناصر متغیر نظام اقتصادی اسلام به روش‌های متداول علوم متعارف، از تجربه و دانش بشری به دست می‌آیند و موضع شریعت در این عناصر غالباً موضع امضایی است؛ به این بیان که از میان یافته‌های دانش و تجربه بشری تنها آن عناصری به عنوان عناصر متغیر نظام اقتصادی اسلام پذیرفته می‌شوند که سازگار با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام باشند یا با انجام اصلاحاتی بتوان سازگار کرد.

اگرچه در زمینه نظام اقتصادی اسلام کتب و مقالات متعددی تألیف شده است، موضوع روش استخراج نظام اقتصادی اسلام یا دیدگاه مقام معظم رهبری در نظام‌سازی اسلامی کمتر بررسی شده است. برخی از آثاری که به نحوی به موضوع نظام اقتصادی یا نظام‌سازی پرداخته‌اند، عبارت‌اند از شهید صدر (۱۴۰۸ق)، شوقی الفنجری (۱۴۱۷ق)، یوسفی (۱۳۸۱)، هادوی تهرانی (۱۳۸۳)، منذر قحف (۱۳۸۵)، میرمعزی (۱۳۸۹)، رضایی منش و بابایی مجرد (۱۳۹۴)، عینی‌زاده و مؤدب (۱۳۹۶)، علی‌اکبری بابوکسانی و دیگران (۱۳۹۶)، بهمنی (۱۳۹۷) و بابایی مجرد و عبدالحسین‌زاده (۱۳۹۷). مطالعه این آثار نشان می‌دهد این آثار عموماً به روش کشف نظام از منابع دینی و به عبارت دیگر نظام‌سازی دینی اشاره نموده‌اند و فقط چند مورد به طور خاص به روش کشف نظام اقتصادی پرداخته‌اند. نوآوری تحقیق حاضر این است که علاوه پرداختن به روش کشف و طراحی نظام اقتصادی، آن را مستند به قرآن و سنت و بیانات مقام معظم رهبری و دیگر متفکران اسلامی بیان نموده است.

ساختار مقاله به این ترتیب است که ابتدا تعریفی از نظام و نظام‌سازی اسلامی (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، نظام اقتصادی و نظام اقتصادی اسلام ارائه می‌گردد؛ سپس شواهد تمدنی دیدگاه مختار از نظام‌سازی اسلامی و تعریف نظام اقتصادی اسلام ارائه می‌گردد؛ آن‌گاه عناصر ثابت و متغیر نظام اقتصادی اسلام تبیین می‌گردد و در نهایت اصول و ضوابط اکتشاف و طراحی نظام اقتصادی اسلام تشریح می‌گردد.

۱. دیدگاه مقام معظم رهبری درباره نظام‌سازی اسلامی

الف) بیان اهمیت نظام‌سازی

مقام معظم رهبری در بیانات مختلفی به ضرورت و اهمیت نظام‌سازی اشاره فرموده‌اند؛ از جمله در این بیانات: مطالبه اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل و تحقق کامل دین اسلام است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). ایشان خطاب به شرکت‌کنندگان در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، نظام‌سازی را به عنوان مهم‌ترین مأموریت دانشمندان، روشنفکران و صاحب‌نظران کشورهای مختلف جهان به‌ویژه جهان اسلام گوشزد کرده، می‌فرماید نظام‌سازی کاری پیچیده و دشوار است و باید از تحمیل الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی یا ناسیونالیسم افراطی یا گرایش‌های چپ مارکسیستی بر حذر بود (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶).

ب) معنای نظام‌سازی

مطابق فرمایش رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷) هر نظام‌سازی متوقف بر ارائه یک وجه نظری و ثابت (وجه جهان شمول و زمان شمول) و یک وجه عملی است که باید بر اساس شرایط زمان و مکان طراحی شود. به فرمایش رهبری، امام (ره) ابتدا نظریه مردم‌سالاری دینی و مسئله ولایت فقیه را مطرح کردند و سپس حکومت اسلامی را بر اساس آن شکل دادند. البته در این نظام‌سازی باید به دو نکته کاملاً توجه کرد: یکی حفظ اصول و مبانی که خطوط اصلی نظام اسلامی بوده و هویت اسلامی نظام به آن است (عناصر ثابت نظام)؛ دوم تکمیل و تنظیم آن با نیازها، تحولات و دستاوردها (عناصر متغیر نظام) که بتوانند ما را در تحقق اهداف یاری کنند.

۲. دیدگاه متفکران اسلامی درباره عناصر ثابت و متغیر در نظام‌سازی

به اعتقاد متفکران مسلمان، عناصر ثابت هویت اسلامی نظام را تضمین و عناصر متغیر پویایی، تحول و کارآمدی نظام را ترسیم می‌کنند. در ادامه به بیان مختصری از دیدگاه بزرگان می‌پردازیم.

علامه طباطبایی: علامه در آثار خود ضمن تقسیم قوانین به قوانین ثابت و متغیر و تبیین جایگاه ولایت در نظام اسلامی، بر این باور است که والی در اموری نظیر امور مالی، انتظامی، نظامی و... می‌تواند با مشورت عقلای قوم تصمیم بگیرد و مقرراتی را ایجاد نماید. البته باید این قوانینی که عقلای جامعه بر آن اتفاق نظر دارند، مطابقت با اصول ثابت دینی داشته باشد (طباطبایی، [بی‌تا]، ص ۷۳). به باور علامه «مقررات ثابت» احکام و قوانینی است که به اقتضای نیازمندی‌های طبیعت ثابت انسان وضع شده است. اسلام این بخش از احکام را که روی اساس آفرینش انسان و مشخصات ویژه او استوار کرده، دین و شریعت نامیده است. اسلام در مرحله تشخیص تفصیلی این نیازها و تقنین قوانین مرتبط، یک سلسله اعتقادات، یک رشته اخلاق و یک عده قوانین به عالم بشر پیشنهاد نموده است و آنها را حق لازم‌الاتباع و دین غیر قابل تغییر و تبدیل آسمانی نامیده است (همان، ص ۶۸-۷۶/ همو، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲-۱۲۴). «مقررات متغیر» احکام و مقرراتی است که جنبه موقتی و محلی - یا جنبه اختصاصی - داشته و با اختلاف طرز زندگی اختلاف پیدا می‌کنند. این بخش با پیشرفت تدریجی مدنیت و حضارت و تغییر و تبدیل قیافه اجتماعات و به وجود آمدن و از بین رفتن روش‌های تازه و کهنه، قابل تغییر است و به حسب مصالح مختلف زمان‌ها و مکان‌ها اختلاف پیدا می‌کند. این مقررات به عنوان آثار ولایت عامه، منوط به نظر نبی اسلام ﷺ و جانشینان و منصوبان از طرف اوست که در شعاع مقررات ثابت دینی و به حسب مصلحت وقت و مکان، آن را تشخیص داده، اجرا می‌نمایند (همان).

شهید صدر: شریعت اسلام مشتمل بر دو بخش است: بخشی که مشتمل بر تشریعات الهی ثابت و «منجز» است و قابل تغییر و تبدیل نیست و بخشی که به ولی امر واگذار شده و از ناحیه خداوند، تشریح ثابتی که قابل تغییر نباشد، وجود ندارد و ولی امر بر اساس اهداف کلی اسلام و اقتضائات آنها در این بخش حکم می‌کند. بخش دوم همان منطقه الفراغ است؛ یعنی منطقه فارغ از تشریعات ثابت و غیر قابل تغییر. پس اسلام در نظام قانون‌گذاری خود منطقه‌ای را خالی از حکم الزامی (وجوب و حرمت) قرار داده است (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۷۲۱).

شهید مطهری: هیچ فرهنگی در جهان نداریم که از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد؛ ولی سخن در کیفیت بهره‌گیری و استفاده است. یک نوع بهره‌گیری آن است که فرهنگ و تمدن دیگر را بدون هیچ تصرفی در قلمرو خودش قرار دهد؛ اما نوع دیگر این است که از فرهنگ و تمدن دیگر تغذی کند؛ یعنی مانند یک موجود زنده آنها را در خود جذب و هضم کند و موجودی

تازه به وجود آورد. فرهنگ اسلامی از نوع دوم است؛ مانند يك سلول زنده رشد کرد و فرهنگ‌های دیگر را از یونانی و هندی و ایرانی و غیره در خود جذب کرد و به صورت موجودی جدید با چهره و سیمایی مخصوص به خود ظهور و بروز کرد و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگ‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است (مطهری، ۱۳۷۷، ۵، ص ۳۸).

مقام معظم رهبری: ایشان در این زمینه معتقدند در نظام جمهوری اسلامی اهداف و مبانی و ارزش‌ها الهی است، لیکن ابزارها و روش‌ها مادی و بشری‌اند؛ لذا در اهداف و مبانی، ملاک باید «فاستقم كما امرت» (هود: ۱۱۲) باشد و به هیچ وجه عدول از مبانی و ارزش‌ها جایز نیست؛ اما در روش‌ها باید تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزو کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی باشد؛ بنابراین در روش‌ها استقامت لازم نیست و باید از تجربه‌ها استفاده کرد (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱). ایشان در بیانات دیگری در پاسخ به این سؤال که مسئله جوانی و پیری نظام چگونه قابل حل است، می‌فرمایند: اولاً نوسازی نظام ممکن است؛ اما به معنای تجدید نظر در آرمانها نیست؛ زیرا این آرمان‌ها فطری است. دوم، نوسازی به معنای تغییر نظامات، تغییر سازوکارها، تغییر سیاست‌ها، عملی است، ممکن است. در مواردی هم لازم است و مانع از تحجر است؛ منتها باید بر طبق اصول باشد. نکته سوم هم همین است که این تغییر باید بر اساس اصول باشد (ر.ک: ب آیت‌الله خامنه‌ای، یانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

به نظر می‌رسد رهبری در زمینه اقتصاد اسلامی بر این باورند که هرچند باید مبانی، اصول، اهداف و برخی روش‌های آن باید از اسلام گرفته شود و خود اسلام آنها را بیان کرده است، با استناد به ادله درون‌دینی مانند حدیث پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «كاد الفقر ان يكون كفرا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۷)؛ همچنین با استفاده از ادله برون‌دینی مثل حکم عقل به تدبیر اقتصاد و اقتدار ملی از راه اقتصاد یک جامعه، از مسئولان می‌خواهند با اتکا به فکر و ایده‌های جوانان راه‌هایی را برای رفع فقر، بهبود معیشت، امنیت اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری‌ها، تولید صنعتی و کشاورزی، جلوگیری از تورم و رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی، رفع بیکاری و... پیدا کنند (قره‌باغی و الهی‌راد، ۱۳۹۹، ص ۴۴).

ایشان در بیانات دیگری ضمن تأکید بر اینکه استفاده مستقیم از نظریات غربی مفید نیست، بر این نکته اشاره می‌فرمایند که باید از تجربیات ایشان استفاده کرد؛ ولی بر اساس مبانی اسلامی

(عناصر ثابت نظام اقتصادی) طراحی شود (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

۳. مستندات تمدنی دیدگاه مختار در نظام‌سازی اسلامی

مطالعه دقیق قرآن، سنت و تمدن اسلامی از صدر اول تا امروز نشان می‌دهد آنچه مورد تأکید قرآن و سنت - به عنوان منابع اصلی دین - بوده و آنچه مورد اهتمام متصدیان دین از رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ حتی خلفا بوده و در قالب سیره عملی آنان بروز کرده و آنچه مورد انتظار مسلمانان از دین در امور معیشتی و اقتصاد بوده و در سیره مسلمانان ظهور و بروز کرده است، این مطلب است که باید عناصر ثابت یعنی «مبانی بینشی و ارزشی، سنت‌های الهی، اهداف، احکام و اخلاق» را از شریعت گرفت؛ اما عناصر متغیر، یعنی «دولت، بازارها»، «قوانین و مقررات، قراردادهای، سازمان‌ها و نهادها، ابزارها و الگوهای رفتاری» را به صورت عمومی با رعایت عناصر ثابت، از عقل، دانش و تجربه بشری کسب کرد که فقها از این مقوله به عنوان «روش امضا یاد می‌کنند». مطابق روش امضا، عقلاً با استفاده از دانش و تجربه بشری برای دستیابی به اهداف قراردادهای، ابزارها، راهکارها و... طراحی کرده، در نظامات اجتماعی‌شان به کار می‌گیرند، متولیان شریعت (پیامبر ﷺ، امامان معصوم ﷺ یا فقهای عصر غیبت) با تطبیق این ابزارها و راهکارها به عناصر ثابت نظام اسلامی، آنها را تأیید/رد/یا با تغییراتی اصلاح می‌کنند. به همین جهت با مطالعه زمان تشکیل حکومت اسلامی و نظامات اجتماعی در عصر رسول اکرم ﷺ مشاهده می‌کنیم پیامبر اکرم ﷺ در عین بیان ثباتات شریعت، در حوزه متغیرات از قراردادهای دوران جاهلیت که اکثراً برگرفته از تمدن ایرانی و رومی بود، استفاده می‌کنند؛ قراردادهایی چون مباحه ایرانی و مضاربه رومی جایگزین ربا در تأمین مالی فعالان اقتصادی و خانوارها می‌شود یا از نهادهای پولی ایرانی و رومی یعنی درهم و دینار استفاده می‌شود. همین طور از سازمان‌هایی چون بیت‌المال ایرانی کمک گرفته می‌شود.

البته این بدان معنا نیست که شریعت حق ندارد وارد مقوله‌های متغیر گردد، بلکه به این معناست که این مقوله‌ها از سنخ مقوله‌های تجربه بشری است؛ بنابراین اگر در موارد خاصی شریعت یا بزرگان دین (پیامبر ﷺ یا ائمه اطهار ﷺ) به مناسبتی اقدام به معرفی ابزار یا نهادی کنند، قطعاً مورد توجه و عمل خواهد بود؛ کما اینکه در بحث «ارث» این موضوع را مشاهده می‌کنیم که

قرآن و روایات، نظام ارث ساخته بشری را قبول نکرده، خود نظام ارثی با بیان ریزه‌کاری‌ها ارائه می‌کنند. قرآن کریم طی آیات متعدد در سوره‌های مختلف با صراحت تمام، دانش و تجربه بشری را نسبت به نظام ارث تخطئه کرده، خود نظام معینی را به عنوان جایگزین معرفی می‌کند؛ برای مثال خداوند در سوره نساء آیه ۱۱ و آیات دیگر ارث با صراحت تمام، روش اعراب جاهلی در تقسیم ارث را محدود و دانسته، خود روش تقسیم دیگری را معرفی می‌کند. نکته جالب اینکه در پایان آیه می‌فرماید شما نمی‌دانید که کدام یک از ورثه در ارث بردن نزدیک‌ترند، این خداوند است که بر اساس علم و حکمتش تشخیص می‌دهد که کدام ورثه چقدر ارث ببرد.

حال اگر نظام ارث را با نظام تأمین مالی مقایسه کنیم، می‌بینیم بر خلاف نظام ارث، خداوند ربا (رایج‌ترین روش تأمین مالی در صدر اسلام- را ممنوع می‌کند؛ اما اینکه چه روشی جایگزین شود، به علم و دانش بشر واگذار می‌کند. نه قرآن نه سنت اصلاً متکفل بیان این نیستند که به مردم یاد دهند به جای ربا از چه روشی استفاده کنند و مطالعه نزدیک به سه قرن عصر حضور پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان معصوم ﷺ نشان می‌دهد این خود مردم بودند که با استفاده از تجربه شرق و غرب و اعراب جاهلی، راهکارهای جایگزین را برگزیده، در مواقع شک به ائمه ﷺ رجوع می‌کردند و حکم آن را می‌پرسیدند.

همچنین این مطلب بدان معنا نیست که در صدر اسلام مسلمانان هیچ ابداع یا اختراعی در حوزه «بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «ابزارها» و «سازمان‌ها و نهادها» نداشتند یا در عصر حاضر حق ابداع و اختراع ندارند، بلکه مقصود این است که شریعت به طور عموم متکفل این امور به عنوان تأسیس نیست. بنابراین اگر یک مسلمان یا غیر مسلمان اعم از مسیحی، یهودی حتی بی‌دین، قراردادی طراحی کند یا ابزار معاملاتی بسازد یا نهاد یا سازمانی پیشنهاد کند، نظریه پردازان مسلمان با تطبیق بر عناصر ثابت، آن «بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «ابزارها»، «سازمان‌ها و نهادها» و «الگوهای رفتاری» را «تأیید/اصلاح/رد» می‌نمایند.

حتی در این فرایند «تأیید/اصلاح/رد» ممکن است ابزار طراحی شده از سوی یک مسلمان به دلیل غفلت از برخی عناصر ثابت رد شود؛ اما ابزار دیگری که یک غیر مسلمان طراحی کرده، پذیرفته شود؛ برای مثال برخی مراجع تقلید شیعه قرارداد بیمه تجاری را که در نظام سرمایه‌داری طراحی شده، با اصلاحاتی قبول می‌کنند؛ اما قرارداد بیمه‌های تکافل را که توسط مسلمانان با الهام از بیمه‌های تعاونی سوسیالیستی بازسازی شده است، غرری دانسته، نمی‌پذیرند و برخی فقهای

اهل سنت خلاف این نظر، بیمه‌های تجاری سرمایه‌داری را غرری دانسته، بیمه‌های تعاونی سوسیالیستی را تحت عنوان تکافل می‌پذیرند (عسگری و اسمعیلی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۳-۲۲۸). البته انتظار می‌رود اگر «دولت، بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «ابزارها»، «سازمان‌ها و نهادها» و «الگوهای رفتاری» توسط مسلمانان طراحی شود، به دلیل توجه به اصول ثابت، بیشتر مورد تأیید قرار بگیرند؛ اما هیچ ملازمه‌ای بین طراحی یک مسلمان با تأیید یا طراحی یک غیر مسلمان با رد، نیست؛ مهم میزان رعایت عناصر ثابت در این طراحی هاست.

۴. جایگاه علوم انسانی در طراحی نظام اقتصادی اسلام

یکی از مباحثی که در نظام‌سازی به معنای عام و نظام اقتصادی اسلام مهم است، نحوه تعامل با علوم انسانی اسلامی و غربی و دانش و تجربه بشری است. در این زمینه سه دیدگاه بین متفکران مسلمان وجود دارد. این رویکرد دو سر طیف دارد. برخی رفتاری کاملاً انفعالی در مواجهه با علوم انسانی غربی و دانش و تجربه بشری دارند. این گروه با قیاس علوم انسانی به علوم طبیعی معتقدند و ما باید بدون هیچ تغییری یافته‌های دانش بشری را به کار بگیریم. در مقابل گروه دیگر با تمسک به آیاتی از قرآن مانند: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) و روایاتی مانند روایت امام صادق علیه السلام فرمود «خداوند آیه "تیباناً لکل شیء" را نازل کرد و به خدا قسم از آنچه انسان به آن نیاز دارد فروگذار نکرد و به خدا قسم هیچ کس قادر نیست بگوید "ای کاش فلان مطلب در قرآن وجود داشت"، زیرا هر آنچه انسان نیاز داشته باشد، خداوند در مورد آن، آیه‌ای نازل کرده است» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۶۷)، معتقدند هر آنچه انسان در زندگی به آن احتیاج دارد، همه در قرآن و سنت آمده و ما هیچ نیازی به علوم انسانی غربی نداریم. برخی حتی معتقدند از آنجا که علوم انسانی غربی بر اساس اصول و مبانی الحادی یا دئیسم طراحی شده‌اند، نه تنها قابل استفاده نیستند، بلکه رهن انسان در رسیدن به سعادت بوده و باید با آن مقابله کرد.

به نظر می‌رسد هیچ یک از این دو دیدگاه که حالت افراط و تفریط دارد، مطلوب نباشد؛ بلکه می‌توان یک دیدگاه فعالانه و انتخابگرانه را برگزید و آن این است که به استناد آیاتی چون «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸) و روایاتی چون «خُذُوا الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۹۷، ح ۴۱) ما باید با

مطالعه دقیق علوم انسانی غربی و دانش و تجربه بشری در عرصه‌های مختلف و عرضه آنها به اصول و مبانی اسلامی، یافته‌های درست و قابل قبول آنها را گزینش و در نظام‌سازی خود استفاده کنیم و یافته‌هایی را که با مبانی بینشی و ارزشی یا احکام و اخلاق یا اهداف اسلامی ناسازگار باشد، اصلاح یا طرد می‌کنیم و این همان رفتار فعالانه با علوم انسانی غربی است که می‌تواند زمینه‌ساز رشد و پیشرفت علوم انسانی اسلامی گردد؛ همچنان‌که می‌توانیم با مطالعه دقیق عناصر ثابت به‌ویژه اهداف، عناصر متغیر جدیدی را طراحی کنیم؛ مانند طراحی بازار ثواب به عنوان بازار پنجم در اقتصاد اسلامی که می‌تواند با هم‌فکری اندیشمندان اقتصاد اسلامی توسعه یافته و سازمان‌ها، نهادها و ابزارهای مناسب خود را داشته باشد. سازمان‌هایی چون کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و سازمان اوقاف و امور خیریه و ابزارهایی چون حساب‌های قرض‌الحسنه، اوراق قرض‌الحسنه و اوراق وقف و... می‌توانند مصادیق بازار ثواب باشند که بعد از پیروزی انقلاب به تدریج شکل گرفته‌اند.

به اعتقاد ما آنچه از مجموعه آیات و روایات و بررسی دیدگاه فلاسفه و رهبران دینی به‌ویژه مقام معظم رهبری استفاده می‌شود، همین دیدگاه سوم یعنی دیدگاه فعالانه و انتخابگرانه است. مقام معظم رهبری در این زمینه در بیانات متعددی استفاده از علوم انسانی غربی و تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی را نیز البته اگر به معنای مجذوب و مغلوب شدن در مقابل آن علوم نباشد، بدون اشکال معرفی نموده‌اند (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹). ایشان بر این نکته تأکید می‌کنند که مبانی علوم انسانی در غرب از تفکرات مادی سرچشمه می‌گیرد و مبانی فکری ما با آن مبانی متفاوت است؛ اما هیچ ایرادی هم ندارد که ما از همه رشته‌های علوم انسانی که غرب تولید کرده یا گسترش داده، استفاده کنیم؛ اما باید آنها را یاد بگیریم تا بتوانیم شکل بومی آن را خودمان تولید کنیم و به دنیا صادر کنیم (ر.ک: بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹).

مقام معظم رهبری در تطبیقی زیبا و شفاف به یک نمونه عینی در حوزه بهره‌گیری نظام اقتصادی اسلام از یافته‌های تمدن غربی می‌پردازند و تصریح می‌کنند نظام جمهوری اسلامی اساساً با تأمین اجتماعی به این صورتی که امروز در دنیا رایج است، موافق است؛ چون این کار با اساس و فلسفه نظام اسلامی منطبق است (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

۵. عناصر نظام اقتصادی اسلام

در این بخش لازم است عناصر تشکیل دهنده نظام اقتصادی اسلام که نام برده شدند، به صورت خلاصه تعریف شوند و روش کشف (استنباط) یا طراحی (گزینش یا اصلاح) آنها توضیح داده شود.

الف) عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام

۱. مبانی بینشی و ارزشی

مقصود از مبانی بینشی اصول معرفت‌شناسی، خداشناسی، راهنماشناسی (پیامبر و امام)، جهان‌شناسی (دنیا و آخرت) و انسان‌شناسی است که به روش عقلی، فطری و نقلی به دست می‌آیند و در طراحی نظامات اجتماعی اسلام از جمله نظام اقتصادی نقش مهمی دارند؛ برای مثال اعتقاد به «خداوندی که همه خزائن در دست اوست و به مقدار لازم در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد» (حجر: ۲۱) و اعتقاد به «وجود جهانی دیگر» (بقره: ۴) که «سعادت در آن جهان در گرو رفتار انسان‌ها در این جهان است» (زلزال: ۷-۸)، تأثیر شگرفی در طراحی الگوهای رفتاری می‌گذارد و نظام اقتصادی متفاوت از نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی ارائه می‌کند که اعتقاد به چنین آموزه‌هایی ندارند. مقام معظم رهبری درباره لزوم استخراج مبانی علوم انسانی از قرآن کریم تأکید می‌کنند و از اینکه علوم انسانی به صورت ترجمه‌ای و بدون هیچ گونه فکر تحقیقی اسلامی وارد دانشگاه شود، هشدار می‌دهند (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸).

۲. سنت‌های الهی

مقصود از سنن الهی، قوانین لایتغیر حاکم در نظام هستی است که خداوند متعال در سیر تکاملی آفرینش از جمله انسان‌ها تعبیه کرده و تغییر و تحولات در چارچوب آن قوانین و سنن الهی است؛ مانند «اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم» (اعراف: ۹۶) یا «یاد کنید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت اگر سپاس‌گزاری کنید، قطعاً نعمت خود را بر شما می‌افزایم و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت خواهد بود» (ابراهیم: ۷). قطعاً اعتقاد به این سنن در طراحی نظامات اجتماعی از

جمله نظام اقتصادی اسلام تأثیر اساسی خواهد داشت. این سنن به روش اجتهادی از منابع اصلی شریعت یعنی قرآن و سنت استخراج می‌گردند.

۳. اهداف نظام اقتصادی اسلام

مقصود غایاتی است که نظام اسلامی و زیرنظام‌های آن به دنبال تحقق آنها می‌باشد. این غایات به سه گروه هدف غایی، اهداف میانی و اهداف عملیاتی تقسیم می‌شوند. هدف غایی همانا کمال و رستگاری انسان‌هاست که در تعبیر قرآنی از آن به حیات طیبه یاد می‌شود: «هر کس از مرد و زن، کار شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، او را به زندگی پاک و شایسته‌ای زنده می‌داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، می‌دهیم» (نحل: ۹۷). این هدف، غایت مشترک همه زیرنظام‌های اسلامی است. اهداف میانی اختصاص به هر زیرنظامی دارد. اهداف نظام اقتصادی اسلام «امنیت، عدالت و پیشرفت اقتصادی» است [که در جای خود باید اثبات شود] (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). امام صادق علیه السلام در روایتی به این سه هدف اشاره کرده، می‌فرماید: «سه چیز است که همه مردم به آنها احتیاج دارند: امنیت، عدالت و آبادانی» (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۳۹۴). اهداف عملیاتی اهداف بخش‌های مختلف نظام اقتصادی اسلام است که به جهت تعدد و تنوع بخش‌ها به محل خود واگذار می‌شود؛ برای مثال اهداف بازارهای مالی اسلامی، تحقق اهداف سه‌گانه پیشرفت، عدالت و امنیت اقتصادی از طریق «تأمین مالی و پوشش ریسک بنگاه‌ها و طرح‌های اقتصادی» است.

مقام معظم رهبری در بیان شیوایی اهداف نظام اقتصادی اسلام را «افزایش ثروت ملی» و «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» می‌داند و معتقد است هر نسخه‌ای هرچه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست (ر.ک: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

۴. احکام اقتصادی

مقصود از احکام اقتصادی، قوانین ثابت الهی است که جز در شرایط خاص که آن را هم خود شریعت تعریف می‌کند، تخفیف داده نمی‌شوند و مسلمانان موظف به رعایت آنها هستند. احکامی چون «ممنوعیت اکل مال به باطل، لزوم تجارت آزادانه برای نقل و انتقال اموال، ممنوعیت غرر و

لزوم شفافیت اطلاعات، ممنوعیت ربا، ممنوعیت ضرر و ضرار، ضمان اتلاف مال غیر، ضمان درک، ممنوعیت قمار و ده‌ها حکم الزامی و تحریمی» که لازم است در طراحی قوانین و مقررات، قراردادهای و ابزارها و الگوهای رفتاری ملاحظه شوند. این احکام به روش اجتهادی از منابع چهارگانه شریعت (کتاب، سنت، اجماع و عقل) استنباط می‌شوند.

۵. اخلاق اقتصادی

مقصود از اخلاق اقتصادی، صفات و ملکات نفسانی و افعالی است که برای تنظیم روابط انسان‌ها با اموال و با یکدیگر در راستای تحقق کمال انسانی وضع شده است و ضمانت اجرای دولتی ندارد، اعم از اینکه الزام‌آور باشد یا نباشد (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۴۴۹). آموزه‌هایی چون توکل به خداوند، باور به روزی الهی، قناعت، مدارا، مواسات، انصاف و ده‌ها آموزه‌های اخلاق مورد سفارش اسلام که باید در طراحی قوانین و مقررات، قراردادهای و ابزارها، به‌ویژه طراحی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری ملاحظه شوند. آموزه‌های اخلاقی اسلام نیز همانند احکام، به روش اجتهادی از منابع چهارگانه شریعت (کتاب، سنت، اجماع و عقل) استنباط می‌شوند.

ب) عناصر متغیر نظام اقتصادی اسلام

۱. سازماندهی دولت و بازارها: امروزه تعریف جایگاه و اندازه دولت و بازارها محورهای اصلی اقتصادها به شمار می‌روند. مجموعه دولت و بازارهای کالاها و خدمات، کار، پول و سرمایه قوام اصلی اقتصادها هستند که در کنار آنها بازارهای فرعی چون بازارهای انرژی، فلزات، صرافی، بدهی، اوراق بهادار، مشتقات، بیمه، لاتاری و شرط‌بندی به عنوان مراکز مهیا برای عرضه و تقاضای نهاده‌های تولید و محصولات می‌باشند. مطالعه جایگاه و اندازه دولت و بازارهای اصلی و فرعی و فعالان شرکت‌کننده در آنها و اشیای مورد عرضه و تقاضا نشان می‌دهد برخی از این بازارها مانند بازارهای کالاها و خدمات پذیرفته‌شده قطعی اقتصاد اسلامی است و برخی چون بازارهای لاتاری و شرط‌بندی از منظر اسلامی ممنوع و حرام است و برخی چون بازارهای پول، بدهی و مشتقات محل تردید جدی است که در نظام اقتصادی اسلام جایگاهی دارند یا نه و اگر جایگاهی دارند، چه ویژگی‌هایی دارند. همین‌طور جایگاه و اندازه دولت در کنار این بازارهای اصلی و فرعی محل سؤال جدی است؛ کما اینکه با توجه به آموزه‌های ثابت اقتصاد اسلامی می‌توان بازار پنجمی تحت

عنوان بازار ثواب یا آخرت یا با عنوانی مشابه برای ذخیره آخرت و کسب ثواب طراحی کرد و برای آن سازمان‌ها و نهادهای مناسب را سازماندهی کرد.

شایان ذکر است دولت و بازار یک وجه ثابت و نظری دارد که بر اساس عناصر ثابت نظام قابل استخراج است؛ اما سازمان بازار یا سازمان دولت وجه تحقق‌یافته الگوی بازار و الگوی رفتارهای دولت‌اند که بر اساس تجربه و دانش بشری در چارچوب مبانی قابل تعریف و طراحی‌اند.

روش تحقیق و به معنای دقیق‌تر روش گزینش بازارها و تبیین ویژگی‌های بازارهای پذیرفته‌شده، تطبیق بازارهای اصلی و فرعی با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام است و به همین مناسبت است که برخی محققان اقتصاد اسلامی با مراجعه به عناصر ثابت منکر وجود بازارهای پول، بدهی و مشتقات بوده و این بازارها را مصداق ربا و قمار می‌دانند. در مقابل برخی دیگر اصل وجود چنین بازارهایی را می‌پذیرند؛ اما برای آنها در نظام اقتصادی اسلام، اهداف، مأموریت‌ها و ضوابط خاصی را حاکم می‌دانند؛ برای مثال معتقدند بازار پول اسلامی نمی‌تواند بازاری مستقل در کنار سایر بازارها باشد، بلکه باید تابع بازارهای واقعی (بازارهای کالاها و خدمات، کار و سرمایه و بازار ثواب) باشد. یا بازار بدهی منحصر در بدهی‌های واقعی و برخاسته از معاملات بخش واقعی اقتصاد باشد.

۲. قوانین و مقررات و قراردادها؛ هر جامعه متمدن، برای تنظیم روابط اقتصادی دولت با مردم، مردم با مردم، دولت‌ها با همدیگر حتی روابط مردم و دولت با اموال، قوانین و مقرراتی تنظیم می‌کنند که این قوانین و مقررات افزون بر انضباط اجتماعی حافظ حقوق افراد حقیقی و حقوقی و حافظ عدالت و امنیت است. شایان ذکر است اساس تنظیم روابط نیز دارای دو بخش ثابت و متغیر است. بخش ثابت آن از عناصر ثابت (احکام اخلاقی و فقهی) قابل استنباط بوده و بخش متغیر آن مربوط به زمانی است که این الگوهای رفتاری ثابت بخواهد در خارج تحقق یابد. اینجاست که قوانین حکومتی مطرح می‌شود. قوانین حکومتی قوانینی است که در مقام اجرای شریعت به وجود می‌آید و با تأیید ولی فقیه مشروعیت می‌یابد. این قوانین نیز مبتنی بر شرایط زمان و مکان‌اند.

مطالعه قوانین و مقررات و قراردادها به‌کاررفته در کشورهای مختلف نشان می‌دهد این امور پیوسته در حال تغییر و تحول بوده و متناسب با شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روابط بین‌الملل در حال دگرگونی است. قراردادهای معاملاتی، قوانین صادرات و واردات، مقررات کسب‌وکار، روابط مالک و مستأجر و ده‌ها قوانین و مقررات دیگر مصادیق این عنصر متغیر نظام

اقتصادی می‌باشند که گاهی طی ده سال تغییرات اساسی دارند؛ برای مثال اگر در گذشته برای پوشش ریسک از قراردادهای محدودی چون سلف و بیع کالی به کالی استفاده می‌شد، امروز به جهت اهمیت ریسک در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی، ده‌ها نوع قرارداد چون فوروارد، فیوچر، آپشن، سوآپ و انواع بیمه‌ها طراحی و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در نظام اقتصادی اسلام در مقام گزینش و طراحی قوانین و مقررات و قراردادها، افزون بر معیار کارایی و کارآمدی باید توجه کافی بر تطابق این قوانین و مقررات و قراردادها با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه احکام و اخلاق اقتصادی اسلام داشت. به بیان دیگر در یک جامعه اسلامی تنها آن گروه از قوانین و مقررات و قراردادها مورد پذیرش است که افزون بر وصف کارایی و کارآمدی در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، با سایر عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه احکام و اخلاق اقتصادی کاملاً سازگار باشند.

۳. ابزارها: مقصود از ابزارها، شیوه‌های عملیاتی ساختاریافته‌ای است که در چارچوب قراردادهای مالی و با رعایت قوانین و مقررات طراحی می‌شوند. ابزارها بخش کاملاً متحول اقتصادی‌اند که متناسب با شرایط اقتصادی تغییر می‌کنند. ابزارهای ناکارآمد به تدریج کنار گذاشته شده، ابزارهای جدید با کارکردهای متفاوت روی کار می‌آیند. اوراق سهام، سهام ممتاز، اوراق قرضه، اسناد خزانه، اوراق تجاری، اوراق قراردادهای آتی، آتی یکسان، سوآپ، انواع سپرده‌ها و تسهیلات بانکی و سایر مؤسسات اعتباری و... برخی از این ابزارها هستند.

در نظام اقتصادی اسلام اولاً باید این ابزارها در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی و اهداف زیرنظام‌های آن باشند؛ ثانیاً با سایر عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه احکام و اخلاق اقتصادی اسلام سازگار باشند. بر این اساس زمانی یک نوع سپرده بانکی یا یک ورق بهادار اجازه جریان در بازارهای مالی پیدا می‌کند که مورد تأیید فقه و اخلاق اسلامی باشد.

۴. سازمان‌ها و نهادها: مقصود از سازمان‌ها و نهادها مؤسسات اقتصادی است که متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع شکل می‌گیرند و بعد از مدتی یا به سیر تکاملی خود ادامه می‌دهند یا با رکود و فروپاشی مواجه می‌شوند یا تغییر شکل می‌دهند. صرافی‌ها، بانک‌های تجاری و تخصصی، بانک‌های مرکزی، تعاونی‌های اعتبار، شرکت‌های لیزینگ، سازمان‌های بورس و اوراق بهادار، شرکت‌های بورس و فرابورس، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای، دریایی، هوایی و ریلی، مؤسسات خیریه و ده‌ها مؤسسه دیگر از مصادیق روشن این

سازمان‌ها و نهادها محسوب می‌شوند. پیگیری تاریخی این مؤسسات نشان می‌دهد گاهی مؤسساتی چون بانک‌ها که امروزه یک مجموعه بزرگ و هماهنگ به حساب می‌آیند، روزگاری به صورت صرافان کوچک و پراکنده کار می‌کردند، به تدریج در سایه ارائه محصولات متنوع و استقبال مردم و حمایت حکومت‌ها تبدیل به سازمان‌های عریض و طویل اقتصادی شدند؛ در عین حال برخی پیش‌بینی می‌کنند در سایه فناوری‌های جدید به‌ویژه در عرصه ارتباطات ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور بانک و بانکداری کلاً برچیده شده یا تغییر شکل اساسی دهد.

در نظام اقتصادی اسلام تنها آن گروه از نهادها و سازمان‌ها می‌توانند فعالیت کنند که اولاً در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام یعنی «امنیت، عدالت و پیشرفت اقتصادی» کارایی لازم را داشته باشند؛ ثانیاً با سایر عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه احکام و اخلاق اقتصادی سازگار باشند. به همین جهت بانک‌های مبتنی بر معاملات ربوی، سازمان‌ها و مؤسسات مرتبط با انتشار و فروش اوراق قرضه و مؤسسات مبتنی بر معاملات قماری و غرری یا سایر مؤسساتی که به شکلی ناسازگار با احکام و اخلاق اسلامی‌اند، در صورت قابلیت اصلاح باید اصلاح شوند یا کلاً تعطیل و برچیده شوند. به همین جهت مؤسسات قماری اصلاً جایی در نظام اقتصادی اسلام ندارند. اما مؤسسات اعتباری چون بانک‌ها با اصلاح و تغییر ماهیت قراردادهای می‌توانند در اقتصاد اسلامی به کار گرفته شوند.

۵. الگوهای رفتاری: الگوهای رفتاری، رابطه بین افراد و اموال و منابع اقتصادی و دولت را در سطح خرد و کلان بیان می‌کنند؛ برای نمونه الگوی مصرف، تولید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، الگوهای رفتاری نامیده می‌شود (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۴۷). در علم اقتصاد، اصطلاح الگو، نمایش ساده چیزهایی است که تصوّر می‌شود مهم‌ترین عوامل مؤثر در رفتار مورد مطالعه‌اند. الگوهای اقتصادی معمولاً به زبان توابع، اتحادها و نمودارها نمایش داده می‌شوند (همان)؛ برای مثال نشان داده می‌شود که الگوی مصرف تابعی از درآمد/درآمد دائمی/درآمد انتظاری، ثروت و نرخ بهره است؛ یعنی مصرف با درآمد و ثروت رابطه مستقیم و با نرخ بهره رابطه معکوس دارد. در علم اقتصاد نشان داده می‌شود که این الگوهای رفتاری ثابت نبوده، تحت تأثیر عوامل مختلفی حتی عوامل فرهنگی تغییر می‌کنند؛ برای مثال مطالعه رفتار مردم آمریکا، فرانسه، ژاپن و آلمان نشان می‌دهد که مردم آلمان با افزایش نرخ بهره، پس‌اندازشان را افزایش داده، مصرفشان را کاهش می‌دهند؛ اما مردم آمریکا و فرانسه عکس رفتار می‌کنند و برای مردم ژاپن تغییرات نرخ بهره تأثیر

معناداری روی مصرف و پس اندازشان ندارد (طیبیان، ۱۳۸۰). اما در مباحث اقتصاد اسلامی می‌توان گفت برای مثال الگوی مصرف اسلامی یک سطح نظری و و مستتج از ثابتهای دارد و یک وجه عینی و مطابق با شرایط زمان و مکان که می‌تواند با شکل‌های گوناگون ظاهر شود. بنابراین در مقام عینیت دادن به این الگوی ثابت است که می‌توان از عقل و تجربیات بشری استفاده نمود و در گذر زمان و مکان قابل تغییر است.

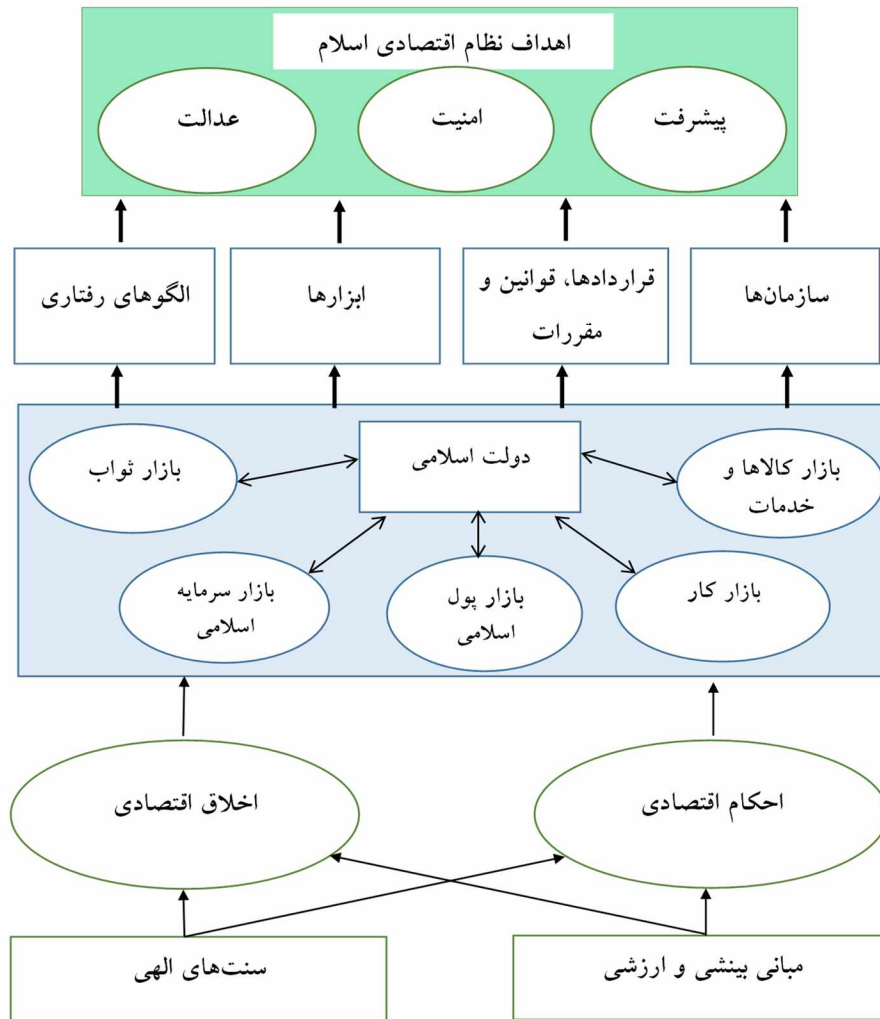
بنابراین در نظام اقتصادی اسلام نیز رفتار اقتصادی دولت و مردم تحت تأثیر عناصر ثابت و متغیر نظام اقتصادی اسلام شکل گرفته و تغییر می‌کند. به همین جهت است که گرفتن قرض برای امور مصرفی در شرایطی مکروه و در شرایطی دیگر مستحب بلکه واجب شمرده می‌شود. یا وقتی کسی به امام صادق علیه السلام در مورد لباسش ایراد می‌گیرد و ایشان را با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مقایسه می‌کند، حضرت می‌فرماید آن سبک از مصرف مربوط به دوره تنگنای اقتصادی مسلمانان بود، الان که دوره گشایش است، شرایط فرق کرده است.

در بحث جایگاه و اندازه دولت در اقتصاد هم دقیقاً همین الگوی رفتاری را داریم؛ برای مثال در شرایط عادی و طبیعی اقتصاد دولت اسلامی حتی شخص رسول الله صلی الله علیه و آله از دخالت در بازار و تعیین قیمت برای اموال مردم امتناع می‌کنند؛ اما در شرایط احتکار و اجحاف، متناسب با رعایت مصالح جامعه الگوی رفتاری دولت تغییر می‌کند و اختیاراتی مانند اجبار محتکر به عرضه کالا بدون قیمت‌گذاری، اجبار محتکر به عرضه کالا با قیمت‌گذاری حتی تصدی‌گری دولت در تولید یا واردات و فروش برخی کالاها در برخی شرایط به دولت داده می‌شود.

۶. خلاصه نظام اقتصادی اسلام

نمودار شماره (۱) خلاصه عناصر ثابت و متغیر نظام اقتصادی اسلام را به ترسیم کشیده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، مبانی بینشی و ارزشی و سنت‌های الهی که زیربنای نظام اعتقادی شریعت اسلام و مسلمانان است، زمینه تشریح احکام و اخلاق اقتصادی در لوح محفوظ است که باید همه به روش اجتهادی کشف شوند تا بر اساس آنها دولت، بازارها، سازمان‌ها، قراردادهای، قوانین و مقررات، ابزارها و الگوهای رفتاری گزینش شوند و همگی در مسیر رسیدن به اهداف نظام اقتصادی اسلام یعنی پیشرفت و عدالت و امنیت اقتصادی به همدیگر کمک کنند.

نمودار شماره (۱) خلاصه عناصر ثابت و متغیر نظام اقتصادی اسلام



۷. نکات کلیدی در نظام‌سازی

۱. در استنباط عناصر ثابت نظام، بحث «اصالت» بسیار مهم است؛ به این بیان که در طراحی نظام اقتصادی اسلام هرچه قوت استناد عناصر ثابت به منابع اجتهاد (قرآن و سنت و اجماع و عقل) محکم‌تر باشد، اطمینان بیشتری به اصالت نظام خواهیم داشت و نظام طراحی شده را با اطمینان بیشتری به اسلام نسبت خواهیم داد و واضح است که غالب اصولیان به‌ویژه اصولیان شیعه

قابل به طریقت اجتهداند. بنابراین ممکن است محصول اجتهد مجتهدی مطابق با واقع یا خلاف واقع باشد؛ ولی تا زمانی که مستند به روش اجتهدی است، حجت است و به همین دلیل ممکن است یافته‌های مجتهدان با هم متفاوت باشند و در نتیجه به جای کشف یک نظام واحد اقتصادی اسلام، چند نظام اقتصادی اسلام داشته باشیم که همه مستند به روش اجتهد و حجت باشند. البته انتظار می‌رود - به جهت نوع آموزه‌های قرآن و سنت - اختلاف نظام‌های اجتهد شده عمدتاً در فروع مسائل باشد.

۲. در انتخاب عناصر متغیر نظام، بحث «تطابق» خیلی مهم است و عناصر متغیر تنها در چارچوب تطابق با عناصر ثابت گزینش می‌شوند؛ به بیان دیگر تنها آن گروه از «بازارها»، «قوانین»، مقررات و قراردادهای، «ابزارها»، «سازمان‌ها و نهادها» و «رفتارها» انتخاب می‌شوند که با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام سازگار باشند. برای اثبات سازگاری عناصر متغیر با عناصر ثابت می‌توان از قواعد اصولی و فقهی به‌ویژه قواعد فقهی باب معاملات چون «اوفوا بالعقود»، «تجارة عن تراض»، «الناس مسلطون علی اموالهم» و «المؤمنون عند شروطهم» کمک گرفت. بنابراین هر بازار، قرارداد، ابزار یا هر نهاد و سازمانی که توسط عقلا طراحی می‌شود، تا زمانی که در مسیر تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام قرار دارد، مباح است، مگر اینکه با اصل بینشی یا حکم شرعی یا اصل اخلاقی اسلامی تنافی داشته باشد.

۳. در انتخاب عناصر متغیر نظام، بحث «کارایی» نیز بسیار مهم است؛ به این بیان که هرچه عناصر متغیر در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام موفق‌تر باشند، مطلوب‌تر خواهند بود. به همین جهت است که می‌گوییم اگر بازارها، قراردادهای، نهادها، سازمان‌ها یا ابزارهایی که در قرون اخیر برای تأمین مالی یا پوشش ریسک ابداع شده‌اند - با رعایت ضوابط اسلامی - در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام کارآمدتر از ابزارهای قرون گذشته حتی عصر شریعت عمل کنند، قطعاً این بازارها و ابزارها در نظام‌سازی ترجیح خواهند داشت؛ برای مثال اگر تأمین مالی از طریق انتشار سهام و معاملات آن از طریق بازار اوراق بهادار، نسبت به شرکت‌های مدنی سنتی ترجیح داشته باشد، قطعاً در طراحی نظام از مشارکت حقوقی و شرکت‌های سهامی و بازار سهام استفاده خواهد شد. یا اگر در پوشش ریسک از طریق قراردادهایی چون آتی و اختیار معامله - با رعایت ضوابط اسلامی - بر قرارداد سلف ترجیح دارد، در طراحی نظام اقتصادی اسلام از این شیوه‌ها و قراردادها استفاده خواهد شد.

نتیجه

بر اساس آنچه در این تحقیق بیان شد، «نظام اقتصادی اسلام» مجموعه‌ای هماهنگ از عناصر ثابت و متغیر است که «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «احکام حقوقی و اخلاقی» از جمله عناصر ثابت نظام اقتصادی و «دولت، بازارها»، «قوانین و مقررات»، «سازمان‌ها»، «ابزارهای مالی» و «الگوهای رفتاری اقتصادی» از جمله عناصر متغیر می‌باشند که به منظور تحقق اهداف اقتصادی اسلام (پیشرفت، عدالت و امنیت) مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ از سوی دیگر مطابق فرمایش‌های رهبری هر نظام‌سازی متوقف بر ارائه یک وجه نظری و ثابت و یک وجه عملی و متغیر است که باید بر اساس شرایط زمان و مکان طراحی شود. ایشان در بیانات متعددی می‌فرمایند نباید از مبانی و اصول کوتاه آمد که در واقع اشاره به همان عناصر ثابت نظام‌سازی است؛ از سوی دیگر نیز بر این نکته تأکید دارند که نظام‌سازی یک امر جاری است و روزبه‌روز باید تکمیل و متمم شود که ناظر به عناصر متغیر نظام‌سازی است؛ بنابراین از دیدگاه رهبری، در این نظام‌سازی اقتصادی باید دو نکته را کاملاً مورد توجه داشت: یکی حفظ اصول و مبانی که خطوط اصلی نظام اسلامی بوده و هویت اسلامی هر نظامی از جمله نظام اقتصادی به آن است (عناصر ثابت نظام) و دوم تکمیل و متمم آن با نیازها و تحولات و دستاوردها (عناصر متغیر نظام) که بتوانند در تحقق اهداف، ما را یاری کنند.

منابع

۱. بابایی مجرد، حسین و محمد عبدالحسین زاده؛ «نظام‌سازی قرآن بنیان؛ چپستی، چرایبی و چگونگی»، قیسات؛ س ۲۳، ش ۸۷، ۱۳۹۷.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن؛ ج ۲، قم: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
۳. بهمنی، سعید؛ «نظام‌سازی قرآن بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)»، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم؛ س ۹، ش ۱، ۱۳۹۷.
۴. الخالدي، محمود؛ مفهوم الاقتصاد في الاسلام؛ ط ۱، الاردن (عمان): مكتبة الرسالة الحديثه، ۱۴۰۶ق.
۵. رضایی منش، بهروز و حسین بابایی مجرد؛ «معناشناسی نظام‌سازی و روش‌شناسی کشف نظام از منابع دینی»، قیسات؛ ش ۷۶، ۱۳۹۴.
۶. صدر، سید محمد باقر؛ اقتصادنا؛ قم: المجمع العلمي للشهيد الصدر، ۱۴۰۸ق.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین؛ شیعه در اسلام؛ به کوشش سیدهادی خسروشاهی؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ فزاهایی از اسلام؛ جمع‌آوری و تنظیم مهدی آیت‌اللهی؛ قم: جهان‌آرا، [بی تا].
۹. طیبیان، سید محمد؛ اقتصاد کلان؛ تهران: کوهسار، ۱۳۸۰.
۱۰. عسگری، محمد مهدی و حمیدرضا اسمعیلی؛ «مقایسه بیمه اسلامی (تکافل) با بیمه متعارف»، مجله اندیشه مدیریت راهبردی؛ ش ۱۳، ۱۳۹۲.
۱۱. علی اکبری بابوکانی، احسان و دیگران؛ «بازکاوای جایگاه منطقه الفراغ در نظام‌سازی فقهی با تأکید بر آراء شهید صدر»، فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ س ۵۰، ش ۱، ۱۳۹۶.
۱۲. عینی‌زاده، محمد و سیدرضا مؤدب؛ «نظام‌سازی» در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، مطالعات قرآن و حدیث؛ ش ۲۱، ۱۳۹۶.
۱۳. فنجرى، محمد شوقى؛ الوجيز في الاقتصاد الاسلامي؛ ج ۵، رياض: دار الثقيف للنشر و التأليف، ۱۴۱۷ق.
۱۴. قحف، منذر؛ «علم اقتصاد اسلامی، تعريف و روش»، ترجمه سید حسین میر معزی؛ اقتصاد اسلامی؛ س ۶، ش ۲۳، ۱۳۸۵.

۱۵. قوه‌باغی، حسن و صفدر الهی راد؛ « قلمرو دین در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای»، معرفت؛ س ۲۹، ش ۲۷۱، ۱۳۹۹.
۱۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۸۴.
۱۸. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۴، تهران: صدرا، ۱۳۷۷.
۱۹. میرمعزی، سیدحسین؛ «روش کشف نظام اقتصادی اسلام»، اقتصاد اسلامی؛ ش ۳۹، ۱۳۸۹.
۲۰. میرمعزی، سیدحسین؛ نظام اقتصادی اسلام؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۱. میرمعزی، سیدحسین؛ «ثبات شریعت و مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی»، اقتصاد اسلامی؛ ش ۸، ۱۳۸۱.
۲۲. موسویان، سیدعباس و محمد توحیدی؛ «طراحی بازار سرمایه اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام (ماهیت، عناصر، روش کشف و طراحی)»، فصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، ش ۲۱، ۱۴۰۰.
۲۳. هادوی تهرانی، مهدی؛ مکتب و نظام اقتصادی اسلام؛ قم: خانه خرد، ۱۳۸۳.
۲۴. یوسفی، احمدعلی؛ ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۵. یوسفی، احمدعلی؛ «روش‌های استنباط نظام اقتصادی اسلام»؛ کاوشی نو در فقه؛ ش ۳۳-۳۴، ۱۳۸۱.